



# داریوش، شاه بزرگ



گردآورنده: ژان پرو  
ترجمهٔ خشایار بهاری



# داریوش، شاه بزرگ

گدآورنده: ژان پرو

ترجمه خشایار بهاری





عنوان و نام پدیدآور	داریوش، شاه بزرگ / گردآورنده ڙان پرو؛ ترجمه خشایار بهاری.
مشخصات نشر	تهران: نشر فرزان روز، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	[۴۰۰ ص]؛ مصور (رنگی).
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۲۱-۴۴۱-۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: The Palace of Darius at Susa : the great royal residence of Achaemenid Persia
موضع	نهايه.
موضع	داریوش هخامنشی اول، شاه ایران، ۵۵۰-۴۸۵ ق.م.
موضع	ایران -- تاریخ -- هخامنشیان، ۵۵۸-۳۲۳ ق.م.
موضع	Iran -- History -- Achaemenians, 558 - 330 B.C.
موضع	ایران -- شاهان و فرماداران -- تاریخ
موضع	Iran -- Kings and rulers -- History
موضع	پرو، ڙان، ۱۹۲۰-۲۰۱۲ م.
شناسه افزوده	Perrot, Jean
شناسه افزوده	بهاری، خشایار، ۱۳۴۰، مترجم
ردیه بندی کنکره	۲۱۳۹۶۵/۲۵۱DSR
ردیه بندی دیویس	۹۵۵/۰۱۵
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۸۴۳۹۹

This is an authorized Persian translation of "The Palace of Darius at Susa", by Jean Perrot. Originally published by I.B.Tauris publishers, 2013.

## داریوش، شاه بزرگ

گردآورنده: ڙان پرو  
ترجمه خشایار بهاری

چاپ اول: ۱۳۹۶؛ شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه	طراح گرافیک: علی بخشی؛ طراح همکار: هدا توکلی
لیتوگرافی: ارغوان	مدیر تولید: اصغر نوری
چاپ: فروغ دانش؛ صحافی: تاجیک	حروف نگاری: شبستری
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۱-۴۴۱-۸	ناظران چاپ: نینا فروزان، مجتبی مقدم

### تمامی حقوق این اثر محفوظ است.

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشار الکترونیکی)  
بدون اجازه مكتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.

میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰؛ تلفن: ۸۸۸۸۷۷۴۹۹-۸۸۸۸۷۹۴۴۳-۸۸۸۸۷۷۴۷

E-mail: [info@farzanpublishers.com](mailto:info@farzanpublishers.com)  
[www.farzanpublishers.com](http://www.farzanpublishers.com)

## مجموعه مطالعات ایران باستان

ایران هزاران سال تاریخ مداوم دارد، تاریخی سرشار از فراز و نشیبهای عبرت آموز. در این میان یکی از بارزترین جلوه های فرهنگ و تمدن مردم ایران زمین دوران باستان است، دورانی شکوهمند که تمدن بشري را پربارتر کرد و برگنای آن افزود. هدف از مجموعه «مطالعات ایران باستان» آن است که ترجمه مهمترین و تازه ترین آثار برگزیده راجع به ایران باستان را از هزاره های دورdest ما قبل تاریخ تا زوال ساسانیان، در دسترس فارسی زبانان قرار دهد. و نیز با نشر آثار تألیفی ایران شناسانه برجسته که تاکنون منتشر نشده اند، کمبود اطلاعات راجع به ایران باستان را جبران کند و با نشان دادن وضع کنوی مباحث تحقیقی، و نشر نظریات و فرضیه های متفاوت محققین این رشته، بر علاقه و توجه به تاریخ و زبان و دین و هنر ایران باستان بیفزاید، و از این راه شناخت مبهم و محدودی را که امروزه بر حوزه های تحقیقاتی درباره ایران سایه انداخته است، به شناختی آگاهانه و پذیرشی پویا بدل نماید و بر ماهیت فضای تحقیقات تاریخی و فرهنگی اثرگذارد.

از آنجا که میراث ایران باستان کمتر مورد توجه بوده است، می کوشیم از هاری افراد ایراندوست و یحیمایت معنوی و مادی همدلانه آنها برای شناخت و نشر آثار ایران کهن بهره مند شویم، و در آغاز هر مجلد به نام، از آنان سپاسگزاری نماییم. امید است «مجموعه مطالعات ایران باستان» که در واقع نگاهی گسترشده و گشوده به تاریخ و فرهنگ و هنر و دین و زبان و ادبیات ایران باستان دارد، موجب گسترش ایران پژوهشی و ارتقاء دانش دوستداران و شیفتگان فرهنگ ایرانی شود.

## پیشگفتار ناشر

کتاب حاضر در بر دارنده بخش اعظم عنوان: *The Palace of Daruis at Susa*، گردآوری و نوشتۀ ژان پرو (Jean Perrot) (۱۹۲۰-۲۰۱۲)، محقق و باستان شناس مشهور فرانسوی است. وی از سال ۱۹۶۸ پس از بازنیستگی رومان گیرشمن (Roman Ghirshman)، تا سال ۱۹۷۹ سرپرست هیئت کاوش‌های باستان‌شناسی در شوش بود. هیئت مزبور در کاوش‌های آپادانای شوش، داده‌های بدیع و اشیاء باستانی بسیاری بدست آورد که مهمترین آنها، کتیبه‌های کاخ و مجسمهٔ داریوش بزرگ است. پرو که همسر ایرانی - خانم منیژه طرفه-پرو - داشت، بسیار دلبستهٔ ایران بود و خدمات زیادی به این آب و خاک کرده که شایستهٔ همه‌گونه تقدير و ستایش است.

اصل این کتاب به سال ۲۰۱۰ به فرانسه، و برگردان انگلیسی آن در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است. از آنجا که نشر فرزان روز قبلاً کتابی به قلم پیر آمیه (Pierre Amiet) تحت عنوان «شوش شش هزارساله» منتشر کرده است، در این ترجمه، چند فصل تخصصی دربارهٔ تاریخچه و جزئیات حفاری‌های باستان‌شناسی آورده نشده، و تمرکز مقالات بر داریوش بزرگ و مجتمع کاخ‌های پادشاهی شوش بوده است. در این کتاب، یافته‌های جدید مرتبط با این پادشاه، و فراتر از آن، دنیای هخامنشیان در سده‌های پنجم و چهارم پیش از میلاد، به گونه‌ای منسجم گردآوری شده که بجز استثناهایی کم‌شمار، در دیگر کتب موجود نیامده و از آن سخن نرفته است. در نتیجه، متنی ارزشمند و آکادمیک در زمینهٔ تاریخ، معماری، ادیان، و فرهنگ این دورهٔ درخشان از تاریخ نیاکان پر افتخار ما فراهم آمده است. ترجمهٔ کتیبه‌ها از پارسی باستان، از کتاب کتیبه‌های هخامنشی، نشر فرزان روز، و ترجمهٔ متون ایلامی، مستقیماً از متن اصلی انگلیسی انجام شده است.

بدیهی است باستان‌شناسیان و محققان و جویندگان تاریخچهٔ حفاریها در شوش، مقالات مربوطه را با رجوع به اصل فرانسه یا ترجمهٔ انگلیسی آن خواهند یافت.  
سرانجام لازم می‌داند از جناب آقای ایرج باقرزاده مدیریت انتشارات Tauris B.I. که سخاوتمندانه CD برگردان انگلیسی کتاب را در اختیار این ناشر قرار دادند سپاسگزاری کند. بدون این CD، تصاویر کتاب هرگز کیفیت مطلوب را نمی‌داشت.

نشر فرزان روز اثر حاضر را در «مجموعهٔ مطالعات ایران باستان»، و به صورتی نفیس، مصور و رنگی عرضه می‌کند.

تورج اتحادیه - سرپرست مجموعهٔ مطالعات ایران باستان

۱۳۹۶ تابستان

## فهرست نویسندها

- بئاتریس آندره - سالوینی (Beatrice Andre-Salvini)؛ امانت دار ارشد، مدیر بخش اشیاء کهن شرقی، موزه لوور؛ فصل ۹
- پی برآمیه (Pierre Amiet)؛ امانت دار افتخاری موزه های فرانسه؛ فصل ۱۲
- پی بربریان (Pierre Briant)؛ کولژ دو فرانس؛ فصل ۱
- آنی کوبه (Annie Caubet)؛ امانت دار ارشد افتخاری موزه های ملی؛ فصل ۱۰
- نومنی دو سه (Noemi Dause)؛ موسسه ملی پاتریمونه، پاریس؛ فصل ۱۱
- ژان سولر (Jean Soler)؛ مورخ مذاهب؛ فصل ۱۸
- ژان پرو (Jean Perrot)؛ سرپرست [وقت] تیم باستان شناسی شوش؛ فصل ۳، ۴، ۵، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹ و ۲۰
- پیوست ۲
- فرانسو والا (Francois Vallat)؛ آشورشناس، مرکز ملی پژوهش های علمی (CNRS)؛ مقدمه، فصل ۲، ۸ و پیوست ۱
- ژان یویوت (Jean Yoyotte)؛ استاد افتخاری کولژ دو فرانس؛ فصل ۶ و ۷
- کنستانس فرانک (Constance Frank) دانشکده باستان شناسی شرقی، دانشگاه لیون؛ فصل ۱۳
- آلبرت هسه (Albert Hesse)؛ پژوهشگر ارشد، دانشگاه پی یرو ماری کوری؛ فصل ۱۴

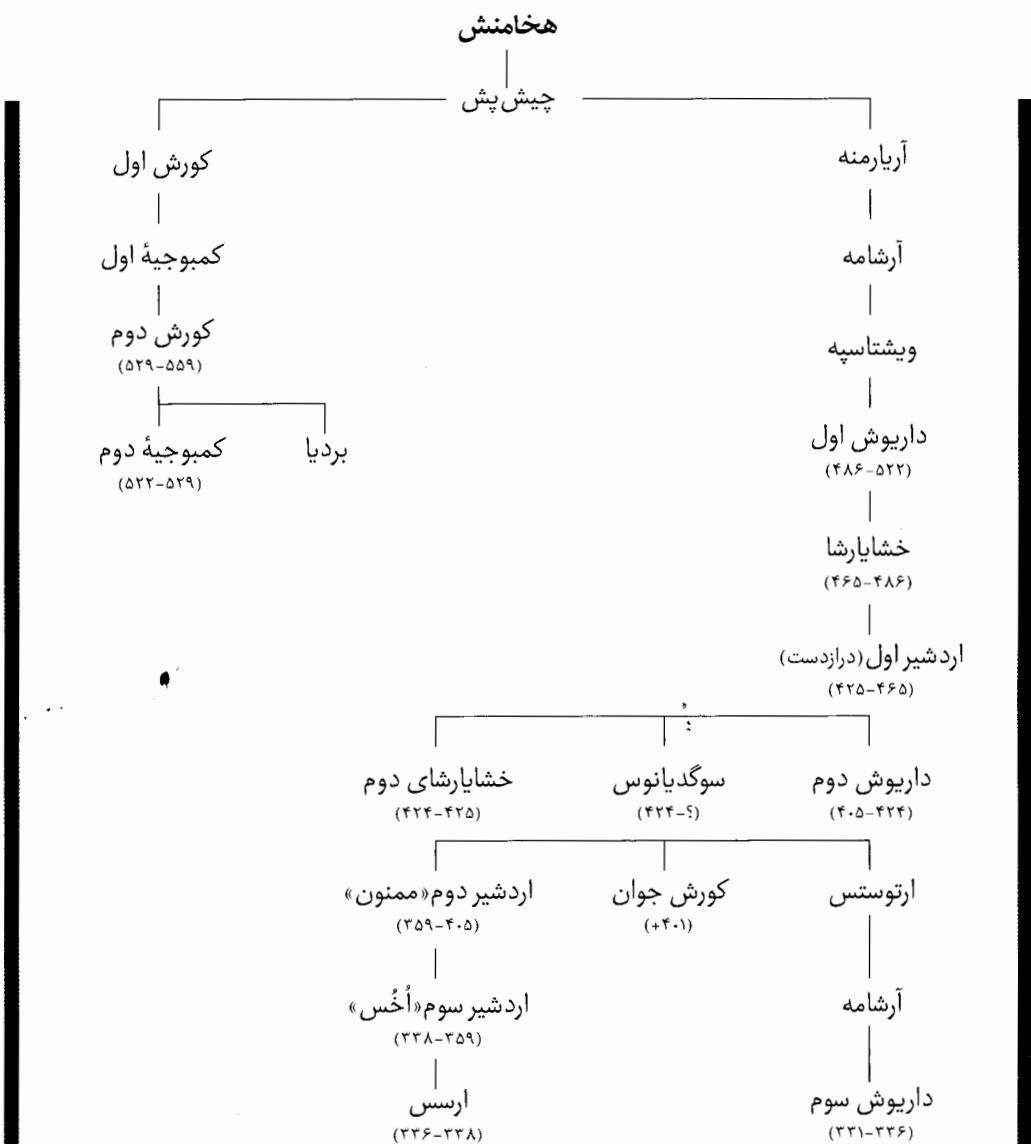
## فهرست

تبارشناسی سلسله هخامنشی	۱۷
رخدادهای عمدۀ در دوره هخامنشی	۱۸
قدردانی	۲۱
پیش‌گفتار	۲۵
مقدمه جان کرتیس	۲۷
مقدمه: ایلام	۳۷
فصل ۱: شوش و ایلام در امپراتوری هخامنشی	۴۳
فصل ۲: داریوش، شاه بزرگ	۸۹
فصل ۳: تیم ایرانی - فرانسوی در شوش	۱۲۹
فصل ۴: مرمت و بازسازی	۱۵۵
فصل ۵: برزن شمال غربی اقامتگاه	۱۹۷
فصل ۶: مجسمه مصری داریوش	۲۱۵
فصل ۷: مردم و کشورهای [تابعه] امپراتوری	۲۶۹
فصل ۸: کتیبه‌های عمدۀ هخامنشی از شوش	۲۸۷

## فهرست

فصل ۹: تزیینات کاخ شوپش در لور	۳۱۹
فصل ۱۰: هنر «پخت» در گوره	۳۲۷
فصل ۱۱: آجرهای تزیینی	۳۳۷
فصل ۱۲: هنر تزیینی در شوش، در دوره هخامنشی	۳۶۱
فصل ۱۳: تابوت آکروپل	۳۸۹
فصل ۱۴: معابد دوره هخامنشی	۴۰۵
فصل ۱۵: داریوش در تخت جمشید	۴۱۹
فصل ۱۶: داریوش در زمان خود	۴۲۵
فصل ۱۷: «قرص بالدار» و اهوره مزدا	۴۵۱
فصل ۱۸: پارسیان و یگانه پرستی	۴۵۷
فصل ۱۹: شوش و «کتاب مقدس»	۴۶۹
پیوست ۱: [ترجمه] کتبیه داریوش در بیستون (DB)	۴۷۷
پیوست ۲: استوانه کورش	۵۱۹
لوح‌ها	۵۲۵

## تبارشناسی سلسله هخامنشی



## رخدادهای عمدۀ در دورۀ هخامنشی

(تاریخ‌ها به پ. م.)

۵۶۲	مرگ نبوکنسردوم، شاه بابل
۵۵۵	نبونئید شاه بابل می‌شود
۵۵۳ تا ۵۵۰	کورش دوم پارسی بر ماد مسلط می‌شود
۵۴۶	فتح لودی و سارد در آسیای صغیر بدست کورش
۵۳۹	بابل به اشغال کورش دوم درمی‌آید - سقوط نبونئید
۵۲۹	درگذشت کورش بزرگ
۵۲۹	کمبوجیه دوم، شاه می‌شود
۵۲۵	فتح مصر بدست کمبوجیه -
۵۲۲	مرگ کمبوجیه؛ بقدرت رسیدن داریوش
۵۱۹	آغاز کارهای ساختمانی در تخت جمشید و شوش
۵۱۹	عملیات داریوش در لیبی و سرزمین سکاها
۵۰۰	گشودن کانال آبی بین نیل و دریای سرخ ۴۹۳ قیام ایونی‌ها

- ۴۹۰ شکست یک نیروی پارسی در ماراتن
- ۴۸۶ درگذشت داریوش. قیام مصری‌ها.
- آغاز پادشاهی خشایارشا
- ۴۸۴ سرکوب قیام بابل توسط خشایارشا
- ۴۸۰ شکست پارسیان در سالامیس و دریای اژه
- ۴۶۵ تبور خشایارشا. آغاز پادشاهی اردشیر اول
- ۴۶۰ قیام مصر
- ۴۲۴ آغاز پادشاهی داریوش دوم
- ۴۰۵ آغاز پادشاهی اردشیر دوم
- ۴۰۱ نبرد کوناکسا و کشته شدن شاهزاده کورش جوان
- ۳۹۹ مصر از تبعیت هخامنشیان خارج می‌شود
- ۳۵۹ پادشاهی اردشیر سوم
- ۳۴۳ فتح دوبارة مصر
- ۳۳۶ پادشاهی داریوش سوم
- ۳۳۴ اسکندر در آسیای صغیر
- ۳۳۳ شکست داریوش سوم در ایوسوس
- ۳۳۱ شکست ایرانیان در گوگمل
- ۳۳۰ اسکندر در تخت جمشید
- ۳۲۳ مرگ اسکندر

## قدردانی

ژان پرو (Jean Perrot)

پیش از اندیشیدن به آنانی که از دور و نزدیک به برآوردن این کتاب یاری رساندند، مایلم از خاطره همکاران گذشته‌ام درشوش، درسی یا چهل سال پیش یاد کنم؛ از کارگران بومی گرفته، تا باستان‌شناسان هموطنم. کارگران براستی بی‌نظیر بودند و خود را وقف کشف گذشته کشور خود می‌کردند.

ایدهٔ چاپ کتابی با تصاویر فراوان، که مخاطبان بمراتب بیشتری را دربر گیرد، از لوپی فاتون (Faton Louis) بود که مدت‌های مديدة، علاقهٔ خود به گذشته ایران را آشکار می‌کرد و بر آن بود اکتشافات باستان‌شناسی را بیش از پیش در بین عامهٔ مردم کتابخوان رواج دهد.

این کتاب مفتخر است از وجود و اشتیاق همگی باستان‌شناسان، تاریخ‌دانان، کتبیه‌شناسان، تکنسین‌ها و هنرمندانی بهره‌مند شود که به درخواست ما برای نگارش فصول کتاب، پاسخ مثبت دادند. دشواری‌های چاپ چنین کتابی، تنها به لطف حمایت‌های افرادی بطرف شد که دین ما به ایشان از اندازه بیرون است و البته از نام بردن همگی آنان ناتوانیم.

سرانجام باید تأکید کنم که شکل‌گیری کتاب را تا حد زیادی مدیون همسرم منیزه هستم که حس زیباشناختی او در کتاب بازتاب یافته است.

رخدادهای زندگی بشر، اعم از عمومی یا خصوصی، چنان با معماری مرتبط است که هر ناظری می‌تواند [تاریخ] ملل و افراد را با جزئیات آن، بر مبنای باقیمانده‌های یادمان‌های عمومی و یا با تحلیل اشیاء فردی بدست‌آمده بازسازی کند. نسبت باستان‌شناسی به جامعه، مانند آناتومی تطبیقی به تاکسونومی [= ردۀ شناسی در زیست‌شناسی] است. [فرضنا] یک موژائیک به همان اندازه گویای کل جامعه [ی استفاده‌کننده از آن] است که اسکلت یک ماهی از فرایند آفرینش [آن] خبر می‌دهد [...]. بی‌گمان علاقه چشمگیر ملهم از یک توصیف معماری نیز از همین سرچشمه می‌گیرد؛ چرا که ذهن خیال‌پرداز توصیف‌کننده هرگز حقایق را مبهم نمی‌کند. آیا هر کس با اندک مایه‌ای از استنتاج نمی‌تواند به همین‌گونه راه به گذشته برد؟ بویژه از این دیدگاه، گذشته شبیه آینده است. آیا هر آنچه به فرد از گذشته می‌گوید، تلویحاً برای او گویای آینده نیست؟

او نوره دو- بالزاک، مسئله مطلق [بودن]

:

## پیش‌گفتار

ژان پرو (Jean Perrot)

این کتاب، دانش کنونی ما درباره شوش در دوره شاهان بزرگ هخامنشی را، از راه بررسی کارهای ساخت و ساز داریوش و جانشینان او، گردهم آورده و عرضه می‌کند. تکیه بر باستان‌شناسی کماکان ضروری است. گذشته از کتبیه‌های داریوش و لوح‌های دیوانی و معیشتی تخت‌جمشید، از کمبود منابع کتبی، حتی نوع غیرمستقیم آنها نج می‌بریم. در زمان داریوش، هنوز هرودوت زاده نشده بود. دوره پادشاهی داریوش از ۵۲۲ تا ۴۸۶ پ.م. بطریزی استثنایی در محدوده علائق ما قرار دارد، چرا که آنرا می‌توان سال‌های شکل‌گیری و تکمیل چیزهایی دانست که هویت دوره هخامنشی را تشکیل می‌دهند. داده‌های جدید باستان‌شناسی، همچنین به ما اجازه درک بهتر شخصیت داریوش را داده است.

کشف شوش به میانه قرن نوزدهم بازمی‌گردد، اما خاطره کاخ شاهان بزرگ هخامنشی در شهر مزبور، از راه روایات کتاب مقدس (استر، عزرا، نحیمیا، دانیال)، سوگنامه پارسیان آیس خیلوس [= آشیل]، نمایشنامه استر (Esther) اثر راسین (Racine)، و نیز نوشتگات یونانی-رومی، حضوری نیرومند در ازهان مردم داشت. در قرون وسطی، سیاحان بزرگی چون رَبِّی بنیامین، سر از شوش درآورده و به ستایش ویرانه‌های آن پرداختند. باستان‌شناس انگلیسی، ویلیام. ک. لوفتوس (W.K. Loftus) نخستین بار در سال ۱۸۵۲ به حفاری در شوش پرداخت و سپس مارسل دیولافوا (Marcel Diculafwa) و همسرش، از فاصله ۱۸۸۴ تا ۱۸۸۶، با قیمانده‌های پایتختی عظیم، و عناصری از یک افریز آجری - لعابی را کشف کردند که از ۱۸۸۸ تاکنون، نماد شکوه مشرق زمین در موزه لوور بوده است.



از سال ۱۸۹۷ کارهای حفاری کمابیش ادامه یافت، ولی از فاصله ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۹، حفاری‌ها و کارهای پژوهشی در شوش جان تازه‌ای گرفت که در نتیجه آن نظام دفاعی شهر و مجتمع اقامتی شاهانه را در کل معماری مشرق زمین (از دوره خود) بی‌همتا یافتند (کاخ همدان هنوز کشف نشده است و صُفَّهَة تخت جمشید نیز دربر دارنده کاخ اقامتگاهی نیست).

شوش، که امروزه شوش دانیال خوانده می‌شود، ۶۰۰۰ سال پیش و در جایی در شمال خلیج فارس پی‌افکنده شد که فلات ایران به جلگه میانودان گشوده می‌شود. شهر مدت‌ها پیش از ظهور هخامنشیان، پاییخت دولت مقتدر ایلام بود که دشت شوشان و بلندی‌های انشان (فارس امروزی) را دربر می‌گرفت. گرچه شهر پس از تخریب بدست آشوری‌ها در سال ۶۴۶ پ.م. بتدريج از صفحه سیاست محظوظ شد و در سدهٔ ششم پ.م. نیز چیزی بیش از یک منزلگاه بین راهی از پارس، پاسارگاد و تخت جمشید به بابل نبود، اما کماکان ارزش استراتژیک خود را حفظ کرده بود. از همین رو نیز داریوش هنگام طراحی مسیر شاهراه‌های امپراتوری خود، نتوانست شوش را نادیده بگیرد.

برغم چاپ آثار درخشنانی چون کتاب دو جلدی پی‌بریان، امپراتوری هخامنشی<sup>۱</sup>، که بیش از پیش به شوش پرداخته‌اند، کماکان نوعی حس کمبود در بین تکنسین‌های مأموریت باستان‌شناسی شوش، و نیز نوعی حس دین به کشوری احساس می‌شد که همواره پذیرای آنان و دیگر پژوهشگران بوده است. در همین مقطع بود که در سال ۲۰۰۷ ایده انتشار کتاب حاضر زاده، و از همان ابتدا بنابر آن شد که محتوای شدیداً تصویری آن بتواند طیف گسترده‌تری از مخاطبان را دربر گیرد. اثر حاضر نتایج حفاری‌های اخیر را در بستر کارهای پیشین مورد بررسی قرار داده و تعبیرات بدست آمده را عرضه کرده است.

این نتایج، بررسی فنون و شیوه‌های معماری مشرق زمین از سدهٔ ششم تا پنجم پ.م. را ممکن کرده است. با مطالعهٔ شمایل‌سازی و نگارگری این دوران، متوجه جایگزین شدن نمادپردازی‌های مذهبی با تصاویر منعکس‌کنندهٔ ایدئولوژی امپراتوری می‌شویم. در این میان، باستان‌شناسی تا حدی کمبود منابع نوشتاری را جبران کرده و مجسمهٔ داریوش بنوبهٔ خود، بازتاب‌دهندهٔ ارتباط ویژه‌ای میان ایران و مصر است.

۱. ترجمهٔ فارسی آن توسط نشر فروزان روز منتشر شده است - مترجم.

## مقدمه

جان کرتیس (John Curtis)

سرپرست پروژه خاور نزدیگ، موزه بریتانیا

از هر دیدگاه جغرافیایی، تاریخی، یا نوشتگات کتب مقدس که بندگیم، کمتر جاهایی در مشرق زمین به پای شوش می‌رسد.

ویلیام کنت لوفتوس، ۱۸۵۷

مدت‌ها پیش از نخستین حفاری‌ها در منطقه، نام شوشان یا شوش بر خوانندگان کتاب مقدس بسیار آشنا بود. و این عمدتاً از آنچه ریشه می‌گرفت که رخدادهای توصیف شده در کتاب إسیر در شوش اتفاق افتاده است. همچنین بر مبنای شواهد نوشتگات دوره کلاسیک در آثار هرودوت، گزنوون، استрабو، دیودوروس سیسیلی، کوئینتوس روفوس و آریان، می‌دانیم که شوش یک پایتخت مهم هخامنشیان بوده است. به دلیل همین شهرت شهر مذبور هم بوده است که از اوایل قرن نوزدهم، توجه زیادی معطوف تعیین موقعیت مکانی آن می‌گردد. دست کم سه نامزد اصلی را با مکان شوش باستانی منطبق می‌دانستند؛ شوشتر (در کرانه غربی کارون) با سازه‌های «آبی» معروفش، شوش امروزی (در کرانه رود شائور) و شوشان (در بالا دست کارون و در ۵۰ کیلومتری شرق مسجد سلیمان و در فاصله ۱۵۰ کیلومتری شوش). از جمله نخستین سیاحانی که به محوطه سفر کرده بودند، باید از جان مک دانلند کینیر (J.M.Kinnier) نام برد که بعد‌ها و در فاصله ۱۸۲۶ تا ۱۸۳۰، فرستاده انگلستان به دربار ایران شد.

وی در ماه مارس سال ۱۸۱۰ از شوش بازدید کرد و آنرا با احتمال زیاد با شوش باستانی منطبق پنداشت. اما اوستن هنری لایارد (Austen Henry Layard) در سفر سال ۱۸۴۱ خود به محوطه، در انطباق آن با شوش باستانی تردیدی بخود راه نداد: «تپه بزرگی که مشخصه شهر باستانی شوش است، از دورdestها دیده می‌شد. در بد و ورود به شهر، به آرامگاه [دانیال نبی] رفتیم، که هدف اصلی سفر ما بود». وی در ادامه می‌نویسد: «شک نیست ... که تپه بزرگ و باقیمانده‌های اطراف آن، با محوطه پاییخت باستانی شوشان منطبق است. در نتیجه اینجا را باید با همان کاخ توصیف شده در کتاب دانیال یکی دانست». وی همچنین از شوشان در کوه‌های بختیاری بازدید کرد. سرهنگ هنری راولینسن (H. Rawlinson) قبل‌آنرا با محوطه کاخ شوشان منطبق دانسته بود که دانیال نبی در آن خواب معروف خود را دیده بود؛ اما لایارد این تطابق را نمی‌پذیرفت.

با این همه، تطابق بی‌چون و چرای شوش امروزی با شوش باستانی، تنها با آغاز حفاری‌های باستان‌شناسی در محوطه محقق شد.

محوطه شوش در ۱۰۰ کیلومتری شمال اهواز در خوزستان واقع است. محوطه دربر دارنده سه تپه عظیم است که مساحتی حدود یک کیلومتر مربع را پوشانده‌اند و بترتیب تپه آپادانا، آکروپل، و «شهر شاهی» (Ville Royale) نامیده می‌شوند. در شرق این «خوشه تپه‌ای»، تپه معروف به «تل صنعت‌گران» قرار دارد. در غرب این مجموعه تپه‌ها، و در فاصله ۲۰۰ متری آن، رود شائزور جاری است. فضای بین آنها در آغاز با روستای شوش پوشیده بود که اکنون بطرف شمال و جنوب گستردگی، از رود نیز گذشته، و با شهری بزرگ با جمعیت ۵۰ هزار نفر منطبق شده [که همان شوش امروزی] است. آرامگاه دانیال نبی در مرکز روستای قدیمی و نزدیک رودخانه قرار دارد. مانند دیگر زیارتگاه‌های خاور نزدیک، هیچ گواهی مقدم بر نوشتگات قرون وسطی درباره هویت آن در دست نیست. در غرب رود شائزور، یک کاخ هخامنشی قرار دارد و بیشتر رو به غرب، در فاصله چند کیلومتری، رود کرخه جاری است.

در سال ۱۸۵۰، ویلیام کنت لوفتوس، زمین شناس مأمور به نواحی مرزی ایران و عثمانی به همراه هنری آ. چرچیل هنرمند، پلانی از ویرانه‌های محوطه تهیه کرد. آنان در سال ۱۸۵۱ به محوطه بازگشته، و حفاری مختصری در آپادانا یا تالار بار عالم کاخ بزرگ دایروش انجام دادند که بعدها در زمان اردشیر دوم، مرمت هم شده بوده است.

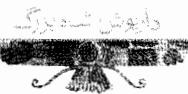


لوفتوس در یک «فصل» دوماهه فوریه تا آوریل ۱۸۵۲، این بار به نمایندگی از سوی موزه بریتانیا، نه تنها به بازسازی پلان آپادانا، که به کنده‌کاری‌های «گمانه زنانه» در تپه اصلی محوطه پرداخت. او در بخش شمالی تپه آکروپل، مجموعه بزرگی از قطعات ظرفی از جنس سنگ رُخّام، با کتیبه‌هایی بنام خشایارشا به خطوط پارسی باستان، ایلامی، بابلی و مصری یافت. اما برغم یافته‌های لوفتوس، کارهای او توجه راولینسن را برینانگیخت و در نتیجه، موزه بریتانیا نیز حفاری‌ها را متوقف کرد.

بیش از ۳۰ سال بعد حفاری‌ها در شوش توسط باستان‌شناسان فرانسوی، مارسل دیولافوا و همسرش از سر گرفته شد که در فاصله ۱۸۸۱ تا ۱۸۸۶ بسیاری از آجرهای لعابی افریز کاخ داریوش، با نقش شیر و کمان دار پارسی را یافتند. افریز مذبور اکنون در موزه لوور است. در سال ۱۸۹۷ مسئولیت حفاری‌های شوش به ژاک دومورگان (Jagues de Morgan) سپرده شد که تا سال ۱۹۱۲ پُست مذبور را عهده‌دار بود.

طی این دوره، افراد بالستعدادی چون رولاند مکنم (Roland de Meequenem) و موریس پیه (Maurice Pillot) در حفاری‌ها دخیل شدند که برای آیندگان، بازسازی‌های چشمگیری با آبرنگ را از خود باقی گذاردند. باستان‌شناسان فرانسوی ابتدا بر مبنای قرارداد بسته شده با شخص ناصرالدین شاه در سال ۱۸۸۴ کار می‌کردند، اما در سال ۱۹۰۰ و پس از پنج سال مذاکره با مظفرالدین شاه، قراردادی امضا شد که امتیاز حفاری‌ها در کل ایران را منحصراً به فرانسوی‌ها می‌داد و آنان همچنین از این حق برخوردار شدند که کل یافته‌های شوش را با خود به فرانسه ببرند. در ازای آن تنها مقرر شده بود که فرانسه باید در ازای بردن اشیاء زرین و سیمین، پول پرداخت کند. این قرارداد تا سال ۱۹۴۷ برقرار بود که در آن هنگام، راه کشور به روی حفاران دیگر نیز گشوده و مقرر شد در پایان هر فصل حفاری، یافته‌های باستان‌شناسان تقسیم شود. در زمان مورگان بود که قلعه بزرگ معروف به شاتو (*le chateau*) در بخش شمالی تپه آکروپل ساخته شد. گرچه این بنا عمدتاً به استفاده باستان‌شناسان حفار اختصاص داشت، اما از استفاده دفاعی در برابر یورش‌های غارتگران نیز برخوردار بود که در آن مقطع زمانی کماکان فعال بودند. نتیجه کار، ساخت بنایی بود که کماکان بر محوطه شوش مسلط است و بی‌گمان آنرا باید بزرگ‌ترین اقامتگاه باستان‌شناسان در مشرق زمین خواند.

پس از پایان جنگ جهانی دوم و از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۷ رومان گیرشم (R. Ghirshman) متولی پروژه شوش شد که پیش از آن نیز بواسطه حفاری‌های خود در تپه سیلک کاشان و تپه گیان نهادند در



لرستان شناخته شده بود. از سال ۱۹۶۹ برنامه جدیدی دربرگیرنده باستان‌شناسان ایرانی و فرانسوی، به مدیریت ژان پرو شکل گرفت که تا سال ۱۹۷۹ ادامه داشت.

همگی ما شکل‌گیری کتاب حاضر را نیز مدعیون ژان پرو هستیم که باید به منزله میراث بزرگ کارهای او در شوش قلمداد شود. کتاب بار اول در سال ۲۰۱۰ به فرانسه چاپ شد و پس از ترجمه انگلیسی توسط گرارد کولون (Gerard Collon) (با همکاری دومینیک کولون)، نسخه انگلیسی آن در سال ۲۰۱۳ منتشر شد. شوش از دوره نوینگی به این سو مسکون بود و شاید بتوان زمان مزبور را تا ۷۰۰ پ.م. نیز به عقب بردا. در هزاره‌های پیامد، تمدن‌های متعدد در شوش سفال‌های منقوش با طرح‌های تزیینی هندسی چشمگیری را تولید کرده‌اند.

شهر از حوالی ۳۰۰ پ.م. بدین سو، یکی از مراکز اصلی تمدن ایلام بود که شامل نواحی مرتفع و پست جنوب غرب ایران می‌شد. تاریخ شوش از دوره معروف به ایلامی آغازین (حوالی ۳۱۰۰ تا ۲۷۰۰ پ.م.) آغاز می‌شود که وضعیت جدید اقتصادی پیش آمده، ثبت معاملات را الزامی نمود. بنابراین داده‌های مربوطه را با یک خط تصویری، بر لوح‌های گلین ثبت کردند. خط مزبور هنوز هم بطور کامل رمزگشایی نشده است. در دوره ایلام کهن (حوالی ۲۷۰۰ تا ۱۵۰۰ پ.م.) ایلام به لحاظ فرهنگی و سیاسی در تسلط دودمان‌های نیرومند میانوردانی بود؛ اما در دوره بعدی، یعنی ایلام میانه (حوالی ۱۵۰۰ تا ۱۱۰۰ پ.م.) سنت‌های محلی غالب می‌شود. از همین دوره، شمار زیادی لوح میخی به زبان ایلامی، و نیز آثار مفرغی مانند مجسمه ملکه نپیریشه به وزن ۱۷۵۰ کیلوگرم در دست است. این مجسمه اکنون در لوور بوده و گواهی است بر غنای [فرهنگی - هنری] شوش. وقدرت ایلام در این مقطع در سال ۱۱۶۸ پ.م. به شوتروک نهونته امکان حمله به جنوب میانوردان را داد. او توانست بسیاری از اشیاء مهم باستانی بابل، از جمله قانون حمورابی را با خود به شوش آورد. یادمان مزبور نیز اکنون در لوور است. از دوره ایلامی نو (حوالی ۱۱۰۰ تا ۵۵۰ پ.م.) نیز سنگ نگاره‌ای در اشکفت سلمان و کول فرج در لبه‌های دشت ایذه در دست است؛ اما خود شوش در سال ۶۴۷ پ.م. توسط آشور بنی پال نابود شد. در ۱۰۰ سال پیامد و تآغاز دوره هخامنشی، چندان از شوش نمی‌دانیم؛ هر چند تمدن ایلامی کماکان شکوفا بوده است.

در سال ۵۵۰ پ.م. واقعه‌ای رخ داد که تأثیری ژرف در تاریخ خاور نزدیک از خود بر جای گذاشت: کورش بزرگ، آخرین شاه ماد، آستواگس را سرنگون، و خود را شاه قلمرو پارس و ماد اعلام کرد و بدین

گونه دوره فرمانروایی دودمان هخامنشی آغاز شد. از خود هخامنش نخستین بار توسط داریوش و بعنون نیای بزرگ خود نام برده شده است. کورش در نبرد تاریخ ساز سال ۵۴۶ یا ۵۴۷ پ.م. بر کروزوس، شاه لیدی چیره، و بر کل ترکیه امروزی مسلط شد. سپس در سال ۵۳۹ وارد بابل شد و بدین گونه کل قلمروی امپراتوری پیشین با بل تا دریای مدیترانه بر امپراتوری بزرگ کورش افزوده گشت که دیگر آقای مشرق زمین شده بود. وی برای خود در پاسارگاد پایتختی ساخت که سرانجام در همانجا نیز به خاک سپرده شد. پسر کورش، کمبوجیه، مصر را نیز بر قلمرو پدر افزود، اما مرگ نابهنه‌گام وی، پس از طی حوادثی به بر تخت نشستن داریوش انجامید (۵۲۲ - ۴۸۶ پ.م.). که به حق می‌توان او را بزرگترین پادشاه هخامنشی خواند. قلمرو هخامنشی در دوره داریوش به بزرگترین گستره خود رسید و از شمال آفریقا تا دره سند، و از آسیای میانه تا خلیج فارس را در برگرفت. در اواخر دوره داریوش، حتی یونان نیز مورد حمله پارسیان قرار گرفت که آغازگر جنگ‌های معروف ایران و یونان شمرده می‌شود. این جنگ‌ها در دوره پسر و جانشین داریوش، خشایارشا، به اوج خود رسید. داریوش افزون بر این، مدیر و سازنده‌ای پرتوان نیز بود. وی دست کم دو پیروزه ساخت و ساز عظیم و باشکوه را هدایت کرد. یکی در تخت جمشید، و یکی در شوش. پیروزه تخت جمشید توسط خشایارشا دنبال شد، که جاه طلبانه‌تر هم بود؛ اما احتمالاً دو بنای مزبور برای اهداف مختلفی در نظر گرفته شده بوده‌اند که هیچیک هنوز بی‌ابهام بر ما روشن نیست. تخت جمشید در فلات ایران و در قلب سرزمین مادری پارسیان، و شوش در دشت خوزستان<sup>۱</sup> و در مرز میانورودان قرار داشت. بناهای داریوش در شوش بسیار گسترشده بود و هیچیک از جانشینانش اینگونه خود را وقف پیروزه‌های بزرگ ساخت و ساز نکردند. کاخ او در زمان اردشیر اول (۴۲۴ - ۴۶۵ پ.م.) در آتش سوخت و بعدها توسط اردشیر دوم (۴۰۴ - ۳۵۹ پ.م.) بازسازی شد که خود، تنها پادشاه پس از داریوش و خشایارشا است که کماکان به ساخت بناهای شاهانه علاقه‌ای بروز داده است. با این همه، شوش تا پایان دوره هخامنشی اهمیت خود را حفظ کرد، و بنظر هم می‌رسد که خزانه اصلی شاهنشاهی هخامنشی در آنجا بوده است.

بخشی از کاخ داریوش در شوش، تالاری ستون‌دار، با سرستون‌هایی به شکل [سر] گاو بوده است. این گونه تالار را که گاه به غلط آپادانا نیز می‌نامند، مشخصه معماري هخامنشی در این مقطع است. گرچه معلوم نیست که تالار ستون‌دار کلاً ابداع ایرانیان بوده است یا نه، اما قطعاً تالارهای ستون‌دار



هخامنشی پیشینه‌هایی در شمال غرب ایران در اوخر هزاره دوم و اوایل هزاره اول پ.م. داشته‌اند. اما این تنها نوآوری معماری هخامنشی نبود. معماری هخامنشی التقاطی بود؛ بدان معنا که مضمون‌هایی را بطور سنجیده از فرهنگ‌های معاصر خود، چون بابل، آشور، مصر و ایلام برミ‌گرفت، با ویژگی‌های بومی پارسی درهم می‌آمیخت و سبک هنری جدید و بسیار متمایزی را خلق می‌کرد. نوآوری‌های فرهنگی دیگری نیز چون پرستش اهوره‌مزدا و ابداع خط میخی، گسترش شبکه‌های ارتباطی زمینی و دریایی (شامل جفر کanal) و شیوه‌های کشورداری، و ضرب گستردۀ سکه در دوره هخامنشی بروز کرده است. می‌توان ادعا کرد که دوره هخامنشی زمان بروز تغییرات راستین بوده که نمادهایی از آنرا می‌توان در شوش یافت.

در فاصله کوتاهی از شرق کاخ داریوش، در لبه‌های تپه آپادانا، دروازه‌ای وجود داشته که دسترسی به کاخ را مهیا می‌کرده است. این دروازه داریوش، سازه‌ای با پی مستطیل شکل، با دو اتاق در هر طرف بوده که در وسط آن، یک تالار چهار ستونی با مقطع مربع قرار داشته است. کتیبه‌ای از خشایارشا در اینجا بوده که بنابر محتوای آن، وی این ساختمان را که پدرش آغازگر آن بوده، تکمیل کرده است. در سال ۱۹۷۱، مجسمه‌ای از داریوش دریکی از جزه‌های این دروازه کشف شد. گرچه سر مجسمه مفقود است، اما کماکان، یک اثر هنری بر جسته شمرده می‌شود و از اشیاء باستانی مهم موزه ملی ایران است. دسترسی به دروازه داریوش توسط بنایی بنام پروپیلائیوم (= سردر) تأمین می‌شده که دست آخر از اقامتگاه شاهانه سردرمی‌آورده است. بنای مذبور در گوشۀ شمال غربی تپه معروف به «شهر شاهی» قرار دارد و باید با یک پل به دروازه داریوش وصل می‌شده است. پروپیلائیوم بنایی کوچک است که ایوان‌هایی دوستونه در هر دو انتهای آن قرار داشته است. بر پایه این ستون‌ها، نام خشایارشا حک شده است. در ضلع شرقی تپه «شهر شاهی» در فاصله ۴۰۰ متری پروپیلائیوم، دروازه دیگری بنام «دروازه صنعت‌گران» قرار دارد. آنسوی این دروازه، رو به شرق، و در سطحی بمراتب پایین‌تر محوطه‌ای هست که از قرار، محل استقرار «صنعت‌گران» بوده و بنابراین نام آنها را نیز برای دروازه مذبور چنین برگزیده‌اند. تیم‌های متعدد حفاری در بخش جنوبی تپه «شهر شاهی» موسوم به «باروی شهر» (Donjon) باقی‌مانده‌های متعدد هخامنشی، شامل شالی ستون و قطعات شیاردار خود ستون‌ها را به همراه اشیاء متفرقه دیگری کشف کردنند. در همین جا بود که عاج‌های معروف هخامنشی را کشف کردنند که به ته



چاهی پرتاب شده بودند. وجود این باقیمانده‌ها، باستان‌شناسان را به حدس وجود بنایی مهم در آن هدایت کرد که احتمالاً کاخ بوده است (هر چند در این باره اجماع وجود ندارد).

گردآگرد تپه آکروپل را حصاری از دوره هخامنشی دربر گرفته بوده است که ژاک دوموگان رد آنرا یافت. ارتفاع تپه آکروپل، و تأسیسات نیرومند دفاعی آن، گروهی را به این باور رهنمون کرد که خزانه مورد اشاره نویسنده‌گان یونانی و نیز پادگان مربوطه، باید در همین جا می‌بوده باشد. این گرچه نظریه‌ای جذاب بنظر می‌رسد، اما هنوز گواهی در تأیید آن یافت نشده است؛ هر چند از کشف وزنه مفرغی به شکل شیر، که در یال جنوبی آکروپل بدست آمده است، می‌توان وجود اشیاء ارزشمند را در این محل حدس زد. مورگان همچنین در آکروپل قبری پراز اشیاء گرانبهای را در سال ۱۹۰۱ کشف کرد. پیکر مزده را در تابوتی مفرغی قرار داده و شمار زیادی اشیاء زرین را نیز با آن همراه کرده بودند.

کتاب حاضر بمراتب بیش از یک بررسی باستان‌شناسی، هنری و معماری شوش در دوره هخامنشی است. از همین رو نیز نگارش فصل اول کتاب، به استاد مسلم تاریخ دوره هخامنشی، یعنی پی‌بریان سپرده شده است. فرانسو والا نیز فصلی را درباره شخص داریوش به نگارش درآورده است. در فصلی مجزا، کتیبه‌های هخامنشی از شوش نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. ۳۶ کتیبه مختلف شاهانه (گاه بصورت قطعات) در محوطه یافت شده است که عمدها از دوره داریوش هستند. اکثر کتیبه‌های مزبور سه زبانه‌اند. فرانسو والا در پیوستی جداگانه، ترجمه‌ای جدید از روایت ایلامی کتیبه بیستون ارائه کرده است. برغم برخی ادعاهای مطرح شده توسط والا از جمله اینکه داریوش را از شاخه اصلی دودمان هخامنشی دانسته، بیشتر پژوهشگران کماکان داریوش را غاصب قدرت [از دودمان کورش] دانسته و شجره‌نامه ارائه شده توسط او را نیز ساختگی می‌پنداشتند. بررسی جامع این موضوع در اثر استادانه پی‌بریان، امپراتوری هخامنشی<sup>۱</sup> آمده است.

فرانسو والا افزون بر این، ترجمه‌ای بدیع از [بند ۷۰] کتیبه بیستون ارائه کرده است که ابتدا با خط ایلامی در بالای نگاره داریوش نقر شده بوده است. وی بجای ترجمه مرسوم، که آنرا به ابداع خط میخی توسط داریوش تعبیر کرده‌اند، مدعی می‌شود که شاه بزرگ در اینجا به «ترجمه کتیبه به آریایی» اشاره



کرده است و بنابراین، به ادعای والا، خط میخی پارسی باستان، پیش از داریوش نیز وجود داشته است. وی بویژه اصالت دو کتبیه زرین آریامنه و آرشام را تأیید کرده و کتبیه‌های پاسارگاد را نیزار خود کورش، و نه مطابق اجماع پژوهشگران افزوده‌ای بعدی در دوره داریوش می‌داند. اما باید گفت دو لوح مزبور را عمدتاً جعلی می‌دانند که بعدها توسط خود داریوش، برای مشروعیت بخشی پادشاهی اش تدوین شده بوده است. نظریات دیگری نیز درباره جعل آنها در زمان اردشیر دوم، و نیز حتی در دوران معاصر ارائه کرده‌اند. بار دیگر باید گفت راز این موضوع هنوز کاملاً گشوده نشده است و در هر حال با این لوح‌ها باید با احتیاط برخورد کرد. \*

(هنگام تکمیل چاپ انگلیسی این کتاب، خبر غم انگیز درگذشت ژان پرو در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۲ بگوش‌ها رسید و بنابراین کتابی که بنا بود ستایشنامه این استاد باشد، به یادنامه‌وی تبدیل شد).